

تحلیل و مقایسه ی تاثیر بیع مواد غذایی در ایران و تجارت بین الملل بر اساس مقررات آنسیترال حسین چگنی

کارشناسی ارشد، حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

چکیده

بیع در لغت یعنی فروش، خرید و فروش مبیع، بیع از الفاظ اضداد است یعنی هم به معنی فروختن است و هم به معنی خریدن. طبق اصل آزادی قراردادها و حاکمیت اراده در انعقاد عقد بیع افراد در خرید و فروش و انتخاب طرف معامله آزاد بوده و می توانند شرایط و آثار عقد را تعیین کنند، اما این آزادی عمل بیش از حد، خود می تواند موجب سوء استفاده و تضییع حقوق افراد یا بر هم زدن نظم عمومی جامعه گردد، به دلیل اهمیت بالایی که وجود دارد مواد غذایی از مهمترین مواردی است که در تجارت بین المللی بر آن تأکید نهاده شده است. در این میان قوانین اصلی و نمونه آنسیترال بدون آن که فصل مشخصی را به مواد غذایی اختصاص دهد، وضعیت های پیش آمده آن را مورد بررسی قرار داده است. با این حال آنسیترال محل حل و فصل اختلاف نیست ولی طرفین می توانند اختلافات خود را مطابق با مقررات آنسیترال به داوری ارجاع کنند. معامله مواد غذایی در حقوق ایران نیز هرچند سر فصل مشخصی ندارد اما با توجه به تصریحات قانون مدنی، قوانین تجارت و همچنین مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی میتوان برخی از جوانب آن را روشن ساخت، در مورد بیع مواد غذایی در حقوق ایران و مقررات آنسیترال هر دو تابع قوانین عام حاکم بر قرارداد بیع و کنوانسیون بیع بین الملل هستند. در قوانین آنسیترال و قوانین بین المللی تمامی مجموعه مواد غذایی و آشامیدنی جزء این کلیت عقد بیع محسوب میشوند؛ حال آن که برخی از مواد غذایی بنا بر حقوق ایران با توجه به فقه امامیه که یکی از زیربناترین منابع حقوقی ایران است نه تنها اکل و شرب آن، بلکه خرید و فروش آن نیز حرام است و اساساً چنین بیعی باطل و البته پیشاپیش دچار بطلان است. عمل به مقررات آنسیترال سبب رفع مشکلات حقوقی عدیده کشورمان در عرصه بین الملل می گردد، همچنین باعث توسعه تجارت بین الملل و توسعه اقتصادی کشور می باشد. مستنداً به بند یک ماده ۳۶۲ قانون مدنی اولین و اصلی ترین اثر بیعی که بطور صحیح واقع شده باشد این است که به مجرد وقوع عقد بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می شود و این اثر بواسطه وصف تملیکی عقد بیع است که در ماده ۳۳۸ قانون مدنی به آن اشاره شده است.

واژه های کلیدی: تاثیر بیع مواد غذایی، ایران و تجارت بین الملل، مقررات آنسیترال

مبحث اول: مفاهیم

در این مبحث مفاهیم مرتبط با موضوع بررسی می گردد.

گفتار اول: مفهوم بیع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ (مقررات آنسیترال)

آنچه در اینجا محل بحث است عنوانی بوده که در حقوق اسلام و به تبع، در حقوق ایران به آن بیع گفته می‌شود و دارای مفهوم ساده‌ای در بدو امر بوده و برای غالب افراد شناخته شده است. ولی همین مفهوم ساده در دنیای اعتباریات حقوقی گاه چنان پیچیده و ثقیل می‌شود که بزرگ‌ترین فقها و حقوقدانان در حل معمای آن قلم‌فرسایی‌ها می‌نمایند. در مقابل مفهوم بیع که در ادامه مطالب به آن می‌پردازیم، مفهوم قرارداد نیز که عبارت از همکاری متقابل دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی بوده^۱، همواره دارای اهمیت می‌باشد. به همین منظور ابتدا مفهوم بیع را در سه حوزه‌ی حقوق ایران و کنوانسیون وین و قانون متحدالشکل تجاری مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول: مفهوم بیع در حقوق ایران^۲

واژه بیع همانند «شراء» از اضداد است و هم در خرید و هم در فروش به کار می‌رود ولی بر اثر کثرت استعمال «بیع»، فروش کالا و «شراء» خرید آن را به ذهن متبادر می‌سازد^۳. تجارت را نیز به «بیع و شراء» معنی کرده‌اند اما از آنجا که در متن‌های مختلف لفظ تجارت به معنای مبادله مال با هدف کسب سود به کار رفته و در تلقی عرف هم تجارت منحصر به بیع نیست می‌توان گفت که از باب غلبه و کثرت مصادیق بیع در معاملات تجاری، این مفهوم برای تجارت تصور شده است. آیه شریفه «... رجال لاتلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله»^۴ که هر دو واژه را ذکر کرده نیز تأییدکننده این استنباط است^۵. ارائه تعریفی جامع و مانع از بیع به علت تعابیر گوناگون و اقوال مختلف موجود در کتب لغت، فقیهان را بر آن داشته تا در تعریف و اوصاف عقد بیع مباحثات دقیقی مطرح کنند^۶. درحالی که فقهای عامه بیع را به «مبادله دو مال به نحو تملیک و تملک یا بر وجه مخصوص»^۷ یا «مبادله دو شیء مورد رغبت» و نظایر آن تعریف می‌کنند^۸.

^۱- شهیدی، مهدی، اصول قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، ۱۳۹۱.

^۲- برای مطالعه بیشتر در خصوص قراردادها رک: جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، ج ۱، چ اول، قم، انتشارات مدرسه عالی امور قضائی و اداری، ۱۳۵۴ و تحولات حقوق خصوصی، مجموعه مقالات هدایی به استاد مرحوم دکتر سید حسن امامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ص ۴۷. دکتر کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها ج ۳، انتشارات به نشر، ۱۳۶۸، ص ۲۵۳ به بعد.

^۳- دکتر کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۷۳۰، شماره ۱۳۹.

^۴- سوره مبارکه‌ی نور آیه ۳۷. پاکمردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا و.. غافل نگرداند.

^۵- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد ۶، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۱۴ و ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۶، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵ و ابن منظور، لسان العرب، جلد ۳، نشر ادب الحوزه، بیروت، لبنان، ۱۹۹۲ و دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ذیل واژه.

^۶- شهیدی تبریزی میر فتح، هدایه الطالب الی اسرارالمکاسب: شرح لکتاب مکاسب الشیخ مرتضی الانصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱هـ): مع تطبیق النصوص المشروحه علی طبعه...: البیع، القسم الاول، نشر فقه، ۸ خرداد، ۱۳۸۶، قم، ص ۷۹ و طباطبایی یزدی سید محمد کاظم، العروه الوثقی، حاشیه بر مکاسب، ج ۲، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۴۰۹، ص ۵۳-۵۷ و ابن قدامه حنبلی، موفق الدین، المغنی فی شرح المختصر، ج ۳، دار الفکر ودارالکتاب العربی، بیروت، لبنان، الطبعه الأولى، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۵۶۰، ۵۶۱ و ابن عابدین، محمد اُسین، حاشیه رد المحتار، ج ۳، دار الفکر، بیروت، لبنان، بی تا، ج ۴ ص ۵۰۲ و جزیری، عبدالقادر بن محمد، منازة المنازل و مناہج لمناهل، ج ۲، القاموس الاسلامی، قاهره، ۱۳۸۳، ۱۹۶۳، ص ۱۴۷ به بعد.

^۷- ابن قدامه پیشین، ج ۳ ص ۵۶۰ و جزیری، همان، ج ۲ ص ۱۴۸-۱۵۲.

^۸- کاسانی، علاء الدین بن مسعود، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۵، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۱۳۳ و ابن عابدین همان.

فقه‌های امامیه با وسواس بسیار سعی کرده‌اند تا تعریفی جامع و مانع عرضه کنند. شیخ انصاری از نام‌آورترین این فقیهان تعریف بیع را به «انتقال عین به عوض معلوم بر وجه تراضی» که بعضی از فقها^۹ مطرح کرده‌اند به این دلیل که اطلاق مسبب بر سبب تسامحی آشکار است مردود شمرده است.^{۱۰} وی همچنین از تعریف بیع به «ایجاب و قبولی که مفید نقل ملک به عوض معلوم است» بدین علت که بیع از مقوله معنی است انتقاد کرده و نیز تعریف بیع به «نقل عین به صیغه مخصوص» را از آن رو که «نقل» مترادف بیع نیست بلکه از لوازم آن است مقبول ندانسته و برای رفع ایراد «انشاء تملیک عین در برابر مال» را پیشنهاد کرده است. ایشان ایراداتی را که ممکن است بر مانعیت تعریف (شمول آن بر بیع معاطات، صلح، عین هبه معوضه و قرض) به نظر برسد طرح کرده و آن‌ها را مردود شمرده است.^{۱۱}

قانون مدنی ایران در ماده‌ی ۳۳۸ ق. م با تعریف بیع به «تملیک عین به عوض معلوم» آشکارا از تعریف فقها پیروی کرده است. قانون مدنی سایر کشورهای اسلامی مانند سوریه، عراق، لیبی، لبنان و قانون مدنی مصر نیز کم‌و بیش از همین تعریف متأثرند. در اینجا لازم است برای تبیین مطلب کمی در خصوص اوصاف و ویژگی‌های عقد بیع دقت نظر نماییم:

الف: تملیکی بودن بیع

منظور از تملیکی بودن عقد بیع این است که انتقال اعتباری (حقوقی) مبیع به خریدار در مقابل انتقال ثمن به فروشنده به نفس ایجاب و قبول تحقق می‌یابد و به هیچ امر دیگری نظیر تسلیم مبیع به خریدار منوط نیست مگر اینکه به موجب دلیل خاص عنصری (مثلاً تسلیم کالا در بیع سلم) «جزء ناقل» قرار داده شده باشد. تملیکی بودن عقد بیع که در حقوق اسلام آمده و در قانون مدنی هم به صورت امری بدیهی پذیرفته شده است در حقوق اروپا امری است نو که هنوز هم پاره‌ای از کشورها آن را قبول نکرده‌اند.^{۱۲}

این وصف در مواردی که مبیع «کلی در ذمه» یا «کلی در معین»^{۱۳} باشد، با این اشکال روبروست که در موارد مذکور صرفاً این تعهد برای فروشنده به وجود می‌آید که فرد مبیع را تعیین و به خریدار تسلیم کند ولی هنگام عقد عین معینی به خریدار تملیک نمی‌شود. برای رهایی از این اشکال برخی گفته‌اند: کلی بنا به حکم عرف مالی است فی حد نفسه موجود که می‌تواند در معاوضه عوض قرار گیرد.^{۱۴}

شاید بتوان گفت عقد بیع در همه موارد سبب تملیک است و عقد اقتضای تملیک را به وجود می‌آورد و شرط آن که تعیین مصداق است بعداً حاصل می‌شود و تحقق شرط به سبب اضافی یا مکمل نیاز ندارد. در واقع عقد تملیکی با این تحلیل چهره خاصی از عقد «عهدی» است که با تعیین مصداق کلی توسط متعهد تملیک محقق می‌شود و چون در هر حال عقد بیع است که در تملیک مؤثر است بیع کلی را می‌توان «تملیکی» نامید.^{۱۵}

^۹- رجوع کنید به طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۳، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی،

۱۳۸۷ ج ۲ ص ۷۶ و شهید ثانی زین الدین بن علی، روضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، ج ۱، نشر جلال الدین، ۲۸ شهریور، ۱۳۸۶، تهران، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۲.

^{۱۰}- انصاری، همان، ص ۷۹-۸۰.

انصاری، همان- ۳

^{۱۲}- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، انتشارات به نشر، ۱۳۶۸، تهران، ص ۲۹-۳۰.

^{۱۳}- قانون مدنی مواد ۳۵۰ و ۴۰۲.

^{۱۴}- طباطبائی یزدی، همان، ص ۱۱۷.

^{۱۵}- کاتوزیان، ناصر، دوره عقود معین، جلد اول، معاملات معوض، عقود تملیکی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم، سال ۱۳۸۴، تهران، ص ۳۵-۳۶.

ب: معاوضی بودن بیع

تعریف بیع، معاوضی بودن بیع را افاده می‌کند. یعنی در آن عین مال با مال دیگر (اصطلاحاً: عوض) که معمولاً پول است مبادله می‌شود. این وصف بیع را از عقود رایگان ممتاز می‌سازد. «عوض» ممکن است برخی «حقوق مالی قابل انتقال» و حتی «عمل انسان» بنا بر صدق عرفی مال بر این دو باشد^{۱۶}. در هر حال وجود عوض مقتضای ذات بیع است. بنابراین اگر تملیک مال در برابر عوض نباشد عنوان بیع بر آن صادق نخواهد بود. چنانچه در بیع انتقال مال به رایگان شرط شود این شرط باطل و مبطل عقد خواهد بود مگر این که از مجموع شرط و عقد فهمیده شود که آنان قرارداد دیگری در نظر داشته‌اند. در این صورت صرف کاربرد «عنوان بیع» در صیغه با توجه به «قاعده تبعیت عقد از قصد» و عمومات ادله صحت عقد و تجارت موجب عدم نفوذ این قرارداد نخواهد بود لیکن باید توجه داشت که اراده قرارداد دیگر خلاف ظاهر صیغه و نیازمند قرینه است^{۱۷}.

معاوضی بودن بیع آثار مهمی دارد از جمله:

- ۱) اگر تملیک یکی از عوضین به علتی باطل باشد تعهد به عوض آن خود به خود از بین می‌رود.
- ۲) خریدار یا فروشنده می‌تواند اجرای تعهد خود را به اجرای تعهد دیگری موکول سازد^{۱۸}.
- ۳) اگر مبیع پیش از تسلیم به خریدار تلف شود بیع منحل می‌شود و خریدار تعهدی به پرداخت ثمن ندارد (قانون مدنی ماده ۳۸۷).
- ۴) در مواردی که بین ثمن و مبیع عدم تعادل فاحش باشد شخص مغبون می‌تواند معامله را فسخ کند.

ج: عین بودن مبیع

عین مالی است که وجود مادی و محسوس دارد و به‌طور مستقل موضوع داد و ستد قرار می‌گیرد. این وصف عقد بیع را از تملیک منافع که موضوع «اجاره» است ممتاز می‌سازد و فقها به همین منظور آن را از اوصاف بیع دانسته‌اند. قانون مدنی نیز (ماده ۳۳۸) به پیروی از فقه، بیع را به تملیک عین اختصاص داده است. این قید علاوه بر خروج تملیک منفعت نقل و انتقال «حقوقی» مانند حق خیار، حق تحجیر، حق اختراع و آفرینش‌های فکری و نیز اموال «غیرمادی محسوس» نظیر نیروی برق و سرفلفی را که امروزه متداول است از تعریف بیع خارج می‌کند. البته با وجود عمومات ادله صحت تجارت که معاملات را به‌طور کلی نافذ اعلام می‌کند در درستی این گونه قراردادهای نمی‌توان تردید کرد. در عین حال از آنجا که بیع با شرایط و آثاری که تفصیلاً در فقه و قوانین ذکر شده نظمی خاص به روابط حقوقی جامعه می‌بخشد «توسعه مدلول بیع» و شمول آن نسبت به مواردی نظیر قراردادهای مذکور ضروری به نظر می‌رسد. تأثیرپذیری قانون‌گذار ایران از این عرف مستقر و اطلاق فروش (بیع) بر «انتقال سهم» امری دور از ذهن نیست^{۱۹}.

^{۱۶} - نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث، چ هفتم، جلد ۲۲، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۲۰۹ و انصاری، همان، ص ۷۹.

^{۱۷} - انصاری، همان، ص ۲۰ و طباطبائی یزدی، همان، ص ۱۳-۱۴.

^{۱۸} - حق حبس: قانون مدنی ماده ۳۷۷.

^{۱۹} - رجوع کنید به لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ مواد ۳۴-۳۶ و قانون تجارت مواد ۷۸-۷۹.

د: لزوم عقد بیع

اصل در بیع لزوم است یعنی طرفین جز به موجب شرط یا تراضی یا اختیارات منصوص حق برهم زدن عقد را ندارند.^{۲۰} با اینکه استواری و نظم در تجارت با عدم لزوم بیع سازگار نیست تا زمانی که طرفین در مجلس عقد حضور دارند عقد لزوم نمی یابد و طرفین حق دارند که معامله را فسخ کنند. این حق فسخ را اختیار مجلس نامند. در بیع حیوان نیز که مبیع معمولاً در معرض عیوب و عوارضی است و کمتر امکان آگاهی از آن عیوب و عوارض در هنگام عقد وجود دارد تا سه روز از زمان عقد برای مشتری حق فسخ قرار داده شده است و به این حق اختیار حیوان گویند. البته در خصوص اختیار تأخیر ثمن، باید بیان نمود که در بیع اقساطی که در آن تأدیه ثمن یا مبیع به صورت مؤجل بوده اختیار تأخیر ثمن ساری و جاری نخواهد بود.

بند دوم: مفهوم بیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ و مقررات آنسیترال

کنوانسیون بیع بین الملل کالا، مصوب ۱۹۸۰، علی رغم این که برای تعیین مقررات و تحدید حدود قرارداد های بین المللی تصویب شده و منتشر گردیده است، تعریفی از "بیع" به عنوان بنیادین ترین مفهوم کنوانسیون ارائه نداده است. دلیل این امر آن است که تنظیم کننده کنوانسیون نمی خواسته در مناقشات مربوط به مفهوم و تعریف بیع وارد و بدین دلیل آن را به حقوق و قوانین داخلی کشورهای عضو موکول کرده است. به هر حال مطالعه در کنوانسیون مزبور آشکار می سازد که از نظر نویسندگان و تصویب کنندگان مقررات یاد شده بیع دارای ویژگی هایی می باشد که به منظور بررسی تطبیقی با حقوق ایران لازم است ویژگی هایی که در حقوق ایران بیان شد را در این جا نیز مورد بررسی قرار دهیم. بدیهی است پاره ای از این ویژگی ها در دو سیستم گفته شده متفاوت می باشد.

الف: تملیکی بودن بیع در کنوانسیون ۱۹۸۰

همان گونه که گذشت مفهوم مالکیت در حقوق اروپا امری است نو که هنوز هم پاره ای از کشور ها آن را قبول نکرده اند^{۲۱} در حقوق رم، خرید و فروش تنها بوسیله توافق انجام نمی گردید، در اثر عقد، فروشنده متعهد می گردید که مبیع را به خریدار منتقل و تسلیم کند و انتقال زمانی تحقق می یافت که فروشنده مبیع را به تصرف خریدار بدهد.^{۲۲} در حقوق سوئیس هنوز هم بیع در زمره عقود عهدی است و ماده ۱۸۴ قانون تعهدات در تعریف آن می گوید: "قراردادی است که به موجب آن فروشنده تعهد می کند در برابر پولی که خریدار تعهد به پرداختن آن نکرده است، مبیع را به او منتقل و تسلیم کند."^{۲۳} در خصوص تملیکی یا عهدی بودن عقد بیع در حقوق داخلی به نسبت حقوق اروپایی مناقشه کمتری وجود دارد. در بررسی حقوق اروپایی نگاه قانونگذار فرانسوی به مقوله تملیکی و یا عهدی بودن بیع دارای اهمیت بسزایی است. در حقوق فرانسه نیز هر چند در قدیم ایام بیع عقدی، عهدی به شمار می آمد، اما قانون مدنی فرانسه این سنت را شکسته و در ماده ۱۱۳۴ به صراحت بیع را در زمره عقود تملیکی دانسته است. بنا براین در حقوق کنونی فرانسه مبیع به عقد بیع منتقل می شود نه با تسلیم.^{۲۴}

^{۲۰} - علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، ج ۱، نشر آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۳، قم، ج ۱، ص ۴۸۰ و نجفی، همان، ج ۲۳، ص ۴ و طوسی، همان، ج ۱ ص ۵۶۰.

^{۲۱} - کاتوزیان، همان، ص ۲۹.

^{۲۲} - همان

^{۲۳} - همان

^{۲۴} - همان

در حقوق انگلیس با این که زمان انتقال مبیع معین منوط به مفاد تراضی است در صورتی که شرط ویژه ای در قرارداد نباشد، چنین فرض می شود که مبیع با عقد انتقال می یابد.

به هر حال همان گونه که ملاحظه می شود، تملیکی بودن عقد بیع به مفهومی که در فقه و حقوق ایران و اسلام گفته می شود محل تردید و تأمل است و شاید از همین رو بوده است که کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ در این باره مقرر صریحی را اشعار نداشته است. لیکن از مطالب برخی از اصول آن می توان چنین استنباط نمود که این کنوانسیون نیز بیع را عقدی عهدی می داند. در فصل دوم از مقررات کنوانسیون بیع بین المللی و طی مواد ۳۰ الی ۴۴ تعهدات بایع بیان می گردد. به طور مثال ماده ۳۰ کنوانسیون مقرر می دارد: "فروشنده مکلف است به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر گردیده، کالا را تسلیم کند، هر گونه مدارک مربوط به کالا را تحویل نماید و مالکیت کالا را انتقال دهد" به طوری که ملاحظه می شود، این ماده، فروشنده را مکلف و به تعبیری بهتر "متعهد" می داند که مالکیت کالا را منتقل سازد و این امر ظاهر در این است که از نظر نویسندگان کنوانسیون، بیع، خود اثری در انتقال مالکیت ندارد. همچنین مطابق ماده ۳۰ می توان تعهدات بایع را ذیل سه دسته تقسیم نمود: ۱ - انتقال مالکیت کالا ۲ - تسلیم کالا ۳ - تسلیم اسناد مربوط به کالا.

همانگونه که بیان گردید یکی از تعهداتی که کنوانسیون در ماده ۳۰ بر عهده بایع قرار می دهد انتقال مالکیت کالا است. علت وضع چنین مقرره ای در زمره تکالیف بایع آن است که با مسأله انتقال مالکیت کالا به خریدار در نظام های مختلف حقوقی برخوردی متفاوتی شده است. در برخی نظام های حقوقی انعقاد قرارداد موجب انتقال مالکیت می شود و در بعضی دیگر، صرف انعقاد قرارداد برای انتقال مالکیت کافی نیست؛ بعنوان مثال در حقوق ایالات متحده مالکیت زمانی منتقل می شود که قرارداد تاریخ آن را معین می کند و در غیر اینصورت زمانی که بایع کالا را تحویل مشتری نماید.^{۲۶} از آنجا که در حقوق ایران انتقال مالکیت مبیع در لحظه انعقاد قرارداد صورت می گیرد خواه مبیع معین، کلی در معین یا کلی فی الذمه باشد بنابراین در خصوص مطابقت ماده ۳۰ کنوانسیون با حقوق ایران به نظر می رسد برخلاف کنوانسیون در حقوق ایران انتقال مالکیت جزء تعهدات بایع قرار ندارد. زیرا به مجرد انعقاد عقد مالکیت انتقال می یابد. لذا تعارض بین حقوق ایران و کنوانسیون در این مورد آشکار است. لیکن به منظور حل این تعارض می توان از قواعد تعارض قوانین در رابطه با انتقال مالکیت از کشوری به کشور دیگر استفاده نمود.^{۲۷} اصلی که به طور جامع پذیرفته شده این است که مالکیت به موجب قوانین محل وقوع کالا منتقل می گردد. در نتیجه تعارض مذکور با اعمال قاعده قابل رفع خواهد بود.^{۲۸} وفق ماده ۳۰ قرارداد به عنوان اولین منبع تعیین تعهدات بایع ذکر شده و بر اساس این ماده یکی از تعهدات مهم بایع انتقال مالکیت کالا می باشد.^{۲۹} معهدا می توان چنین نتیجه گرفت که در کنوانسیون مزبور بیع به عنوان عقدی تملیکی، با آن توضیحی که در حقوق ایران و حقوق فرانسه گفته شده تلقی نمی گردد. بیع در کنوانسیون عهدی است.

ب: معاوضی بودن بیع در کنوانسیون ۱۹۸۰

۳- ناظم، علیرضا، مقاله تعهدات بایع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)

۱- سماواتی، حشمت اله، حقوق معاهدات بین المللی، نشر ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۷۷

²⁷ -Lex setus

۳- داراب پور، مهراب، تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، جمعی از نویسندگان، جلد دوم -نشر گنج دانش، ۱۳۷۴

۴- صفایی، سید حسین، حقوق بیع بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۲

هر چند این ویژگی عقد بیع در کنوانسیون سال ۱۹۸۰ به صراحت بیان و اعلام نشده است لیکن نویسندگان، در پاره ای از اصول به لوازم معاوضی بودن عقد بیع اشاره نموده و آن را به طور مختصی مورد پذیرش قرار داده اند. به طور مثال: یکی از مهم ترین ویژگی های عقود معاوضی وجود حق حبس در آنها است که فروشنده را مکلف به تأدیه و تسلیم مبیع کرده و اصل ۵۳ آن صراحتاً اعلام می کند: خریدار باید به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است ثمن را بپردازد و کالا را قبض نماید. در انتهای بند اول از اصل ۵۸ کنوانسیون صریحاً آمده است فروشنده می تواند تسلیم کالا یا اسناد آن را به خریدار منوط به تأدیه ثمن نماید. طوری که ملاحظه می شود قواعد مربوط به حق حبس در عقد بیع تماماً در کنوانسیون مورد پذیرش قرار گرفته است.

دیگر از ویژگی های عقود معاوضی، انتقال ضمان معاوضی در عقد بیع است که این امر نیز در کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته و فصل چهارم آن را به خود اختصاص داده است.

در اصل ۶۶ این کنوانسیون آمده است: تلف یا خسارت وارده بر کالا بعد از انتقال ضمان (ریسک) به خریدار، موجب برائت وی از ایفاء تعهدش مبنی بر پرداخت ثمن نمی شود، مگر اینکه تلف یا خسارت مذکور ناشی از فعل یا ترک فعل فروشنده باشد. اصول دیگری که پس از این اصل آمده نیز همین امر را مورد تأکید قرار داده و ضمان معاوضی را پس از اجرای تعهدات، حسب مورد به خریدار یا فروشنده انتقال یافته می داند. ماده ۶۶ را میتوان اینگونه نیز تفسیر نمود که در مواردی که رفتار فروشنده به موجب قانون قرارداد، غیر قانونی نیست (نقض تعهدات) اما ممکن است به موجب حقوق مسئولیت مدنی غیر قانونی باشد ضمان به فروشنده باقی می ماند.^{۳۰}

در خصوص معاوضی بودن مسئله ای که از اهمیت خاصی برخوردار بوده زمان انتقال ضمان و ضمان معاوضی می باشد. بر حسب اینکه تاریخ انتقال ضمان کالا به مشتری را چه زمانی بدانیم نگاه به انتقال ضمان پاسخی متفاوت خواهد داشت. بعلاوه منظور از ضمان آن تلف و نقصی است که در اثر حوادثی واقع شده که نمی توان آن را به بایع یا مشتری نسبت داد و الا در صورتی که نقص یا تلف در اثر نقض تعهد مثلاً از ناحیه بایع باشد، هر چند بعد از انتقال ضمان روی دهد باز هم بایع مسئول است هر چند این تفکیک به وضوح در ماده ۳۶ و ۶۶ کنوانسیون بیان شده است.^{۳۱} به طور کلی در کنوانسیون راه حل پذیرفته شده زمان تسلیم مبیع است که البته این مسئله نیز در حقوق ایران وفق ماده ۳۸۷ قانون مدنی بیان شده است. در توجیه راه حل پذیرفته شده در کنوانسیون (زمان تسلیم) گفته شده است چون تسلیم کالا یک واقعه مادی است تعیین آن در قرارداد بین غائبین آسان است.^{۳۲} البته در رابطه با انتقال ضمان به این دلیل که این مقررات جنبه تکمیلی دارد طرفین می توانند بر خلاف آن تراضی و با توافق یکدیگر زمان انتقال ضمان را مشخص نمایند.^{۳۳}

نتیجه آنکه از منظر کنوانسیون ۱۹۸۰، عقد بیع، عقدی است معاوضی.

ج: عین بودن مبیع

از ظاهر لفظ (GOODS) یا کالا، در عنوان کنوانسیون ۱۹۸۰ چنین به ذهن متبادر می گردد که این کنوانسیون راجع است به مواردی که مبیع "عین" است. همان گونه که گفته شد، نویسندگان کنوانسیون در هیچ یک از مقررات آن به ارائه تعریفی از

۱- داراب پور، همان.

۱- صفایی، همان، ص ۹۹

۱- صفایی، همان، ص ۱۰۰

33 - J.o.Honold, no.636, p.455.

عقد بیع نپرداخته اند و گویی آن را بسیار بدیهی قلمداد کرده اند. در هر حال هر چند به نظر می رسد از منظر این کنوانسیون و نویسندگان آن، مبیع اختصاص به "اعیان" نداشته باشد (چنانچه که در بند "د" و "و" اصل دوم کنوانسیون، فروش سهام و اوراق بهادار و نیروی برق را از شمول مقررات خود مستثنی نموده است) لیکن کنوانسیون مزبور را می توان مختص قواعد بیع اعیان قلمداد کرد. به طور کلی در کنوانسیون بیع بین المللی بنا به دو دلیل برخی بیع از شمول کنوانسیون استثناء شده اند: ۱- بیع های استثناء شده به علت تشریفات آنها ۲- بیع های استثناء شده به علت موضوع آنها. از جمله مواردی که به علت موضوع از شمول کنوانسیون خارج شده اند بیع سهام، سهم الشرکه، اوراق بهادار، اسناد قابل انتقال یا پول می باشد چرا که این اشیاء "کالا"^{۳۴} به معنی خاص به شمار نمی آیند.^{۳۵}

د: لزوم عقد بیع

می دانیم که در حقوق داخلی ما، عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه. (ماده ۲۱۹ ق.م) از سویی دیگر، هر بیع لازم است مگر این که یکی از خیارات در آن ثابت شود. (ماده ۴۵۷ ق.م) بنابراین اصل لزوم بیع در حقوق ایران به این مفهوم است که طرفین همواره باید به مفاد عقد پایبند بوده و در راه اجرای آن تلاش نمایند.

این اصل با این مفهوم و این گستره در کنوانسیون ۱۹۸۰ قابل ملاحظه نیست. لیکن از آنجا که نگاه عرفی و رویه بین المللی به خصوص در بین تجار، مورد نگاه ویژه تنظیم کننده کنوانسیون بوده است و از آنجا که همواره اصل استحکام قراردادها در نظام های حقوقی مختلف مورد حمایت قرار گرفته است می توان گفت این اصل نیز را باید در کنوانسیون مفروض دانست. از نظر کنوانسیون حفظ و بقای قرارداد یک اصل است و حتی الامکان از انحلال یا فسخ قرارداد باید اجتناب کرد به ویژه هنگامی که قرارداد اجرا شده باشد.^{۳۶} در کنوانسیون مورد بحث: اولاً اصل لزوم به طور صریح به چشم نمی خورد. ثانیاً: اصل ۲۶ آن مقرر می دارد: اعلام بطلان قرارداد^{۳۷} (که معادل فسخ می باشد) صرفاً وقتی نافذ است که طی اختطاری به طرف دیگر به عمل آید. در این ماده با توجه به استعمال کلمه Avoid که به معنی فسخ می باشد میتوان بیان نمود که فسخ قرارداد دست کم پیش از قبض ثمن و مبیع به وسیله اختطاریه ممکن می باشد. ثالثاً در پاره ای موارد از اصل ۴۹ قواعدی را برای برهم زدن قرارداد وضع کرده و در نظر گرفته است. به هر حال هر چند به نظر می رسد اصل لزوم در قرارداد بیع، در کنوانسیون مورد تأکید قرار نگرفته، لیکن علی رغم وجود مواد متعدد در کنوانسیون که فسخ را برای متعاملین در نظر گرفته است همچنان می توان بیان نمود که اصل استحکام قراردادها در نظام حقوقی عرفی که کنوانسیون هم بیشتر متأثر از آن است وجود دارد. در توضیح اینکه اگر یک طرف تعهدات قراردادی خود را انجام ندهد مکلف است خساراتی که به طرف مقابل وارد شده است را جبران کند. و معنی عدم لزوم این است که یک طرف بتواند به قرارداد پایان دهد بدون اینکه مسئولیتی در قبال جبران خسارت داشته باشد. پس معنای اصل استحکام این است که با اعلام عدم انجام تعهدات آتی از سوی متعهد، متعهد له بتواند در همان زمان به قرارداد پایان دهد و همان خسارت را مطالبه نماید.^{۳۸}

³⁴-Goods+marchandises

۴- همان.

۱- همان، ص ۳۱

۲- همان.

۳- کاظمی نجف آبادی، عباس، نقض قابل پیش بینی و ضمانت اجرای آن در حقوق تجارت بین الملل.

گفتار دوم: مفهوم بیع در دیگر مقررات بین المللی

در قبال بیع مهمترین مقررات خارج از کنوانسیون بیع بین المللی حقوق اروپایی می باشد، یکی از مهم ترین نتایج تلاش ها در جهت متحدالشکل شدن حقوق اروپایی، اصول حقوق قراردادهای اروپایی است که پس از گذشت مدت کوتاهی از انتشار آن، در این قاره و در خارج از مرزهای قاره جایگاهی مناسب پیدا کرده است. اصول حقوق قراردادهای اروپایی اگر چه اصولی است که حامل سنت حقوقی اروپایی است؛ اما به نیازهای جهان مدرن در زمینه قراردادهای نیز به نحو مناسب پاسخ داده است. همین ویژگی سبب شده است نویسندگان حقوق اروپایی آن را بخشی از قانون مدنی آینده اروپا بدانند. اصول حقوق قراردادهای اروپایی یک سند حقوق مدنی محوری و بنیادین است که در جهت اروپایی سازی حقوق قراردادهای تنظیم و تدوین شده است. این اصول همچنین به عنوان سازمان دهنده جنبش اروپایی سازی حقوق خصوصی از درون و از زیر، در مقابل متحدالشکل نمودن حقوق اروپایی از طریق قانون گذاری از خارج و از بالا تلقی شده اند. این اصول که نوعی «soft law» هستند، از سوی دانشگاهیانی که عضو احزاب سیاسی و ارگان های حکومتی اروپایی نبودند، تنظیم و انتشار یافت. به همین جهت می توانند همان کارایی «jus commune» را داشته باشند. در این قرارداد اروپایی مفهوم بیه همان است که در کنوانسیون بیع بین المللی آمده است.^{۳۹}

گفتار سوم: مفهوم مواد غذایی در حقوق ایران و مقررات بین المللی

هر ماده ای که برای تغذیه و حمایت بدن انسان مصرف شود ماده غذایی نام دارد. مواد غذایی اکثراً منشاء حیوانی یا گیاهی دارند، مواد خوراکی برای بدن انسان شامل کربوهیدرات ها، چربی ها، پروتئین ها، ویتامین ها یا مواد معدنی و آب هستند. مواد مغذی کربوهیدرات، چربی و پروتئین ها هستند. مواد غذایی توسط یک موجود زنده مصرف می شود، جذب می شود و توسط سلولهای ارگانیسم تبدیل به انرژی، حفظ بقاء یا رشد و نمو می شود. اگر بخواهیم از زاویه تاریخی به موضوع نگاه کنیم، مشاهده می کنیم که انسان ها از دو روش شکار و کشاورزی مواد غذایی خود را تأمین می کردند، امروزه بیشتر انرژی مصرف شده در جهان توسط صنایع غذایی تأمین می شود. نیاز به تغذیه سالم، از تولد تا پایان حیات انسان، همراه همیشگی او بوده است. این نیاز مهم، تاریخی به قدمت زیست بشر بر روی کره ی زمین دارد. همواره سهم عمده ای از تلاش جوامع بشری به تدارک و تأمین مواد غذایی مناسب و چرخه ی سالم غذایی اختصاص یافته است. از نتایج این تلاش متممادی، ایجاد و گسترش صنعت غذا و دانش فنی آن می باشد. اما توسعه این صنعت، در کنار خدمات شایان توجه به انسان، متضمن خطراتی در مصرف فرآورده های غذایی نیز بوده است. به طوری که هر ساله انسان های زیادی متحمل خسارات مالی و جانی ناشی از مصرف غذای فاسد و آلوده می شوند. برای جلوگیری از خطرات ناشی از مصرف مواد غذایی نامناسب و یا تدبیر برای جبران خسارات ناشی از تولید و مصرف مواد غذایی، لازم است کشورها راه کار مناسب حقوقی تدوین نمایند. دولت به عنوان مسئول حفظ سلامتی جامعه مکلف است با وضع مقررات جامع و کامل در این راه قدم بگذارد. از جمله این راه کارها، وضع قوانین متناسب با نیازهای جامعه با مبانی حمایت از حقوق مصرف کنندگان است. پذیرش مبنای مسئولیت محض در زمینه تولید و عرضه، ضمن ایجاد سهولت در جبران خسارات ناشی از مصرف مواد غذایی ناسالم، می تواند اهداف پیش گیرانه ی قوانین مسئولیت مدنی در زمینه خسارات یادشده را تأمین نماید.

تعریف حقوقی غذا در کشورهای غربی به این ترتیب است که به چهار دسته از مواد به عنوان غذا نام برده می شود:

۳۹ - جلیل قنوتی، اصول حقوق قراردادهای اروپایی: حامل سنت ها، پاسخگوی نیازها، مقاله: مقاله علمی - پژوهشی دوره ۰۰، شماره ۱۷ - شماره پیاپی ۷۶ ص ۱۴

- هر نوع ماده‌ای که از نظر منطقی، انسان بتواند آن را هضم کند؛ حال چه ارزش غذایی داشته و چه نداشته باشد.
- آب و سایر آشامیدنی‌ها.
- آدامس‌های جویدنی.
- موادی که در تهیه غذاها به کار می‌رود.

مبحث دوم: شرایط و احکام بیع مواد غذایی

با توجه به تبیین دو حکم فوق در بیع کالی به کالی و بیع دین به دین مهمترین مسئله ای که در مورد مواد غذایی در عرصه بیع ظاهر میشود، مسئله قرارداد و بیع در کشاورزی است. مثال هایی هم که در قسمت بالا آورده شد نشان میدهد که تا چه اندازه این مورد در کشاورزی محل بحث و فحص میتواند قرار بگیرد. اکنون در ادامه تلاش میکنیم دو حوزه حقوق ایران و همچنین قوانین بین المللی با تأکید بر مقررات آنسیترال را در این زمینه با هم مورد قیاس تطبیقی قرار دهیم.

گفتار اول: شرایط و احکام بیع مواد غذایی در حقوق ایران

در قوانین ایران شکل کلی بیع مواد غذایی را میتوان از قانون مدنی و همچنین قانون تجارت استخراج کرد. البته موارد خاص و جزئی آن نیز در قانون مواد خوراکی و آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی وجود دارد. مهمترین مسئله در اینجا میزان مبیع است. فرض بر این که قراردادی بر سر محصولات یک مزرعه باشد که به شکل عرفی ۱۰ تن محصول از آن بهره برداری میشود و این قرارداد کالی به کالی بر اساس چنین رقمی باشد چون نیاز بایع بر همین اساس است و آنگاه برداشت نهایی محصول ۵ تن یعنی نصف میزان پیشبینی شده باشد. در قوانین ایران به طور کلی لحاظ شده که اگر فروشنده متعهد باشد که ۱ تن مواد خوراکی به طرف مقابل تحویل دهد و خریدار بعد از تحویل متوجه شود که وزن کالا کمتر است، می‌تواند تفاوت آن را از خریدار دریافت کند و اگر وزن بار بیشتر باشد، باید آن مقدار اضافی را به فروشنده بازگرداند. مسئله محل تحویل نیز در تجارت کشاورزی هم در ایران و هم در قوانین کشورهای دیگر و نهایتاً حقوق بین المللی بسیار مهم است. زیرا امروزه درصد قابل توجهی از هزینه ها مشمول حمل و نقل، بیمه و متصدیان انتقال میگردد. محل تحویل مواد غذایی به خریدار، همان محلی است که طرفین، قرارداد فروش مواد غذایی را در آنجا امضا کرده‌اند؛ مگر اینکه در متن قرارداد، محل دیگری را تعیین کرده باشند. اگر مبیع قبل از اینکه به مشتری تحویل داده شود، بدون تقصیر فروشنده فاسد شده باشد، قرارداد باطل است و فروشنده باید مبلغ دریافت شده را به خریدار بازگرداند. یکی از شروط اصلی انعقاد قرارداد، رضایت طرفین و قصد آنها است. طرفین در خصوص اعلام رضایت خود می‌توانند از روش‌های گوناگونی مانند نوشتن، ایما و اشاره استفاده کنند و الزام به استفاده از یک روش خاص وجود ندارد؛ بلکه طرفین می‌توانند به هر روشی اشتیاق و میل خود را نشان دهند.

اگر بعد از امضای نمونه قرارداد فروش مواد غذایی طرفین با یکدیگر به طور کامل به توافق برسند، می‌توانند عقد را به هم بزنند (اقاله). در این صورت، تعهداتی که در متن قرارداد نوشته شده است، الزامی برای فرد متعهد به وجود نمی‌آورد. اگر کسی که تعهد به نفع او نوشته شده است، از انجام آن تعهد صرف نظر کند، مانند این است که آن تعهد از ابتدا در قرارداد ذکر نشده است. طرفین می‌توانند به موجب اختیارات گوناگونی که در متن قانون، به آنها داده شده است، قرارداد فروش محصولات غذایی را فسخ کنند؛ اما اگر در متن قرارداد نوشته شده باشد که کافه (همه) اختیارات سلب می‌شود، به این معنی است که تمامی اختیارات از دو طرف قرارداد سلب شده و آنها نمی‌توانند از اختیارات قانونی خود استفاده کنند. اگر بعد از تنظیم

قرارداد مشخص شود که مواد غذایی فاسد بوده است، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا آن مبیع را قبول کند و مبلغ خسارت را از فروشنده مطالبه کند. کالایی که مورد معامله واقع می‌شود با مشروع و قانونی باشد. برای مثال، معامله مشروبات الکلی صحیح نیست (عباسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۰)

اگر قرارداد را برای خرید کالایی خاص (مثلا نوشیدنی مارک خاص) انجام داده گردد اما پس از تحویل کالا این علم حاصل شود که کالای دریافتی، آن نوشیدنی مورد نظر نبوده است، عقد بیع باطل است.

البته باید در نظر داشت که قوانین مواد خوراکی و آشامیدنی ایران در ماده نخست خود به یکی از مهمترین مواردی می‌پردازد که در قوانین آنسیترال موجود است. این ماده تصریح دارد که مرتکب هر یک از اعمال زیر در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم خواهد شد: عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر؛ مخلوط کردن مواد خارجی به جنس به منظور سوءاستفاده؛ عدم رعایت استاندارد یا فرمول ثبت شده در مواردیکه تعیین فرمول و رعایت آن همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد؛ فروش و عرضه جنس فاسد و یا فروش و عرضه جنسی که موعد مصرف آن گذشته و همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد؛ بکار بردن رنگها و اسانسها و سایر مواد اضافی غیر مجاز در موارد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی و یا لوازم بازی کودکان؛ ساختن مواد تقلبی خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی.

مفاد و محتوای این ماده در قانون ایران را میتوان در کنار قوانین کلی بیع و قرارداد قرائت کرد تا الگویی برای تجارت مواد غذایی به دست آورد. مسئله دیگری که مطرح است تبدیل ماهیت کارکردی مواد غذایی از خوراکی به مصرفی غیرخوراکی است که در قانون مذکور طی ماده چهاردهم آن چنین تصریح شده که «کلیه مواد تقلبی یا فاسد یا موادی که مدت مصرف آنها منقضی شده باشد بلافاصله پس از کشف توقیف می‌شود هر گاه وزارت بهداشتی یا موسسات مسئول دیگر گواهی نمایند که مواد مکشوفه برای برخی از مصارف انسانی یا حیوانی یا صنعتی قابل استفاده است ولی نگهداری آن امکان ندارد مواد مکشوفه به دستور دادستان شهرستان با اطلاع صاحب کالا و با حضور نماینده دادستان شهرستان به فروش می‌رسد و وجوه حاصل تا ختم دادرسی و صدور حکم قطعی در صندوق دادگستری تودیع خواهد شد و هر گاه گواهی شود که مواد مکشوفه قابلیت مصرف انسانی یا حیوانی یا صنعتی ندارد فوراً به دستور دادستان معدوم می‌شود. در کلیه موارد فوق وهمچنین در مورد اسباب و ابزار آلات جرم دادگاه طبق ماده ۵ قانون مجازات عمومی تعیین تکلیف می‌نماید و اگر قبلاً به فروش رسیده باشد در مورد وجوه حاصل از فروش نیز تعیین تکلیف خواهد کرد. درآمد حاصل از اجرای این ماده به مصرف تاسیس و توسعه و تکمیل آزمایشگاههای تحقیق و کنترل مواد غذایی خواهد رسید»

گفتار دوم: شرایط و احکام بیع مواد غذایی در قانون تجارت بین المللی بر اساس مقررات آنسیترال

فلسفه وجودی آنسیترال کمک به گسترش تجارت بین الملل از طریق یکسان سازی قوانین و تسهیل تجارت بین الملل است. در سال های ۱۹۶۰ به بعد تجارت بین الملل به شکل چشم گیری توسعه پیدا کرد و کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را تشویق کرد تا موانع تجارت را کاهش دهند تا استفاده بیشتری از مزایای آن ببرند. یکی از موانع بزرگ در برابر توسعه تجارت بین الملل، قوانین متفاوت کشورها بود. در این شرایط احساس نیاز به وجود یک سازمان برای همگام سازی بین قوانین کشورها نیاز می‌شد (Wetter, 2002: 91) بر همین اساس در سال ۱۹۶۶ آنسیترال با ۲۹ عضو شکل گرفت. در سال ۱۹۷۳ اعضای آنسیترال به ۳۶ عضو و در سال ۲۰۰۴ به ۶۰ عضو ارتقا پیدا کردند. اعضای آنسیترال توسط مجمع عمومی سازمان ملل برای

۶ سال انتخاب می شوند. در حال حاضر ایران نیز تا سال ۲۰۲۲ به عنوان یکی از اعضای آنسیترال انتخاب شده است. در چارچوب حقوق بین الملل بشر، «حق بر غذای کافی»، حق بنیادین هر شخص بر دسترسی پایدار به غذایی است که پاسخگوی نیازهای تغذیه‌ای او بوده و فاقد عناصر سمّی و خطرناک باشد» (Perillo-Joseph, 2003: 46) ارائه محصولات غذایی نامناسب، عواقب و عوارض ناشی از تغذیه با این محصولات برای سلامت مصرف‌کنندگان، همراه با کنترل گسترده شرکت‌های خصوصی بر روند تحقیقات علمی در خصوص بررسی عوارض احتمالی‌شان، موجب بروز نگرانی‌های جدی در میان فعالان عرصه حقوق بشر شده است. شرکت‌های مزبور با استناد به پاراگراف سوم ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هر نوع مداخله و نظارت بخش دولتی در روند تحقیقات خود را خلاف اصول بنیادین حقوق بشر دانسته و از فاش نمودن نتایج علمی حاصل از تحقیقات انجام شده در آزمایشگاه‌های تحت کنترل خود نیز امتناع می‌کنند و همواره مدعی‌اند که غذاهای تراریخته با غذاهای معمولی هیچ تفاوتی ندارند. (عباسی، رزمخواه و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۳۱)

در عرصه بیع مواد غذایی مهم‌ترین مأموریت آنسیترال یکسان‌سازی و نوسازی حقوق تجارت بین‌الملل از طریق ابزارهای قانون‌گذاری و غیر قانون‌گذاری در موضوعات گوناگون حقوق تجارت بین‌الملل می‌باشد. اما این یکدست‌سازی در برخی عرصهها ناقص باقی میماند هرچند این موضوعات شامل حل‌وفصل اختلافات تجاری، قراردادهای تجاری بین‌المللی، حمل‌ونقل، ورشکستگی، تجارت الکترونیکی، پرداخت‌های بین‌المللی، تضمین معاملات بین‌المللی و تأمین کالا و خدمات است. (Buzdy, 2001: 255) یکی از مهم‌ترین مصادیق آن در رابطه با امنیت غذایی است. فرض اینکه امنیت غذایی وضعیتی اضطراری ایجاد کند، در اینجا مواردی مانند مردار، گوشت خوک یا حیوانات غیرمأکول‌الحم در فقه اسلامی نوعی تغایر میان این قوانین ایجاد میکند. اساساً چنین بیعی در فقه اسلامی پیشاپیش محکوم به بطلان بیع است. اما این اصطلاح که در حقوق ایران به آن ضمان درک هم گفته می‌شود، به معنای مسوولیت از بین رفتن کالای خریداری شده پس از عقد قرارداد بیع است که تعیین می‌کند در صورتی که مال خریداری شده به هر دلیلی خسارت ببیند یا تلف شود، جبران به عهده کدام طرف قرارداد است. در قراردادهای بین‌المللی که فاصله خرید تا ساخت و تحویل کالا مدت زمان قابل توجهی است و همچنین خطرات در حین حمل نیز متوجه این دسته از قراردادهاست تعیین مسوولیت خریدار و فروشنده و زمان انتقال آن اهمیت فراوانی دارد.

در قانون توافقنامه تجاری بین‌المللی (۲۰۰۲) نمونه آنسیترال، به منظور دست‌یابی به یک روش متحدالشکل در معاملات بیع بین‌المللی، اتاق بازرگانی بین‌المللی International Chamber of Commerce مجموعه اصلاحات بین‌المللی بازرگانی را تحت عنوان اینکوترمز (International Commercial Terms) Incoterms تدوین کرده است که به منظور تفکیک هزینه‌ها و مسوولیت‌ها بین فروشنده و خریدار استفاده می‌شود. اینکوترمز تقریباً به بسیاری از مسائل مرتبط با حمل‌کالا از فروشنده به خریدار پاسخ می‌دهد. مسائلی شامل حمل کالاها، ترخیص کالا، واردات و صادرات کالاها، اینکه چه کسی مسئول پرداخت می‌باشد و اینکه ریسک جابجایی و انتقال کالا در مراحل مختلف حمل بر عهده چه کسی می‌باشد. اصطلاحات مختلف اینکوترمز معمولاً با ذکر مکان‌های جغرافیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد نه عناوین مرتبط با جابجایی. آخرین روشی که برای نوسازی و یکسان‌سازی قوانین تجارت بین‌الملل توسط آنسیترال اتخاذ شده است از ابزارهای تبیینی است. بدین منظور آنسیترال مجموعه‌ای از راهنماها را منتشر می‌کند که به طرفین قرارداد کمک می‌کند تا بتوانند یک قرارداد منصفانه و مناسب تنظیم کنند. به‌عنوان مثال آنسیترال در سال ۱۹۹۲ یک راهنما جهت انعقاد قراردادهای بین‌المللی تجارت متقابل تهیه کرد که کلیه نکات مهم یک قرارداد تجارت متقابل توضیح داده شده و حتی شرط قراردادی مربوط پیشنهاد شده است.

گفتار سوم: مقایسه شرایط بیع مواد غذایی در قانون تجارت بین المللی بر اساس مقررات آنیسترال

هرچند دیرزمانی نیست که حق بر غذا به عنوان یکی از اصول بنیادین بشری بر زبان های دانشگاهی جاری شده و ساماندهی حوزه های مختلف آن به دغدغه ای برای سیاست‌گذاران بدل شده است، ولی چارچوب های کلی و بنیادین آن به دوران باستان بازمی‌گردد. همان زمان که در مصر و روم باستان بایدها و نبایدهای غذایی به پیروان ابلاغ شد یا دستورالعمل‌هایی که در اسلام برای غذاهای حلال و حرام وجود داشت، همگی جلوه های اولیه حق بر غذا بود. در چارچوب حقوق بین‌الملل، آنچه ذیل عنوان حق بر غذا مطرح می‌شود، دسترسی پایدار به غذا و مسئولیت دولت‌ها در تأمین غذای انسانها و مبارزه با گرسنگی و رنج ناشی از آن است. اما، موضوع فقط این نیست. تأمین امنیت غذایی و رعایت کرامت انسانی در تولید محصولات غذایی و حتی در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی و اجتماعی ناظر بر غذا، کیفیت و کمیت آن، همچنین از زمره ی موضوعاتی هستند که از این حق بنیادین، یک وجه بشری و انسان مدار ساخته‌اند. حق بر تغذیه سالم و مناسب به لحاظ کیفی و کمی به عنوان یک حق بشری و زیرمجموعه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، خود پیش‌شرط تحقق سایر حق های بشری است که برای نخستین بار در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، و همچنین ماده ۱۵۲ تجارت آنیسترال در قوانین توافقنامه تجاری بین المللی ۲۰۰۲ مورد تصریح قرار گرفته است و پس از آن در سایر اسناد بین المللی نیز، پیش‌بینی شد. (مک مائولاین، ۱۳۹۶: ۳۲۷)

حق بر غذا اصول، چارچوب ها و چالش‌هایی دارد. آنچه مهم است، سیر پیشرونده مقرراتی است که در طول دهه های گذشته در زمینه حق بر غذا وضع و اعمال شده است. در مقایسه دو رویه حقوقی ناظر بر بیع مواد غذایی در ایران که منبعث از فقه امامیه است و همچنین مقررات آنیسترال، باید افزود که اگر قرارداد آتی، خرید و فروش نباشد؛ بلکه مقاوله و تعهد به انجام معامله در زمان معین باشد به این معنا که هر دو متعهد می‌شوند در تاریخ معین، با نرخ معین، کالایی را مورد خرید و فروش قرار دهند، بیع هنگام رد و بدل شدن ثمن و مثنی رخ می‌دهد و پیش از آن فقط تعهد به انجام معامله است. در این صورت اگر عمل به شرط ابتدایی لازم باشد، این تعهد الزام آور بوده، در زمان خاص مبادله باید صورت گیرد و اگر شرط ابتدایی الزام را در پی نداشته باشد می‌توان شرط را ضمن معامله دیگری قرارداد تا الزام به معامله ایجاد شود؛ البته این تعهد در بازار اولیه شکل می‌گیرد و نوع مبادله ثانوی بر آن در بازار ثانوی، بر ارزش مالی داشتن این تعهد یا امتیاز خرید مبتنی است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۲۴۸) با استاندارد کردن قرارداد، شخص می‌تواند حق خرید خود را در آینده به دیگری منتقل کند. خریدار در بازار ثانوی امکان خرید کالای خاص را در زمان آینده به خود اختصاص می‌دهد و حق خریدار اول را می‌خرد و از نظر عقلا، این حق، قابلیت معاوضه را دارد. در این حالت، هنوز مبادله‌ای بین خریدار و فروشنده در بازار اولیه رخ نمی‌دهد و فقط حق خریدی شکل می‌گیرد؛ حق و امتیازی که این امکان مبادله در بازار ثانوی دارد؛ بنابراین در این حالت، خرید و فروش قرارداد آتی از نظر فقهی صحیح است (انصاری، ۱۳۹۰: ۴۳)

با این حال درک این امر ضروری است که اگر قرارداد آتی، خرید و فروش باشد از آن‌جا که دو طرف آن مدت‌دار است و با عقد، دین تحقق می‌یابد، با توجه به رأی بیشتر فقیهان مبنی بر الحاق این نوع معامله به معامله دین به دین و بطلان آن، امکان استفاده از قرارداد آتی، چه در بازار اولیه و چه در بازار ثانویه وجود ندارد. اگر بر مبنای برخی نظریات، معاملات دین مؤجل به عقد را صحیح بدانیم و معامله منهی دین به دین را به موردی که دین، قبل از عقد تحقق داشته مختص بدانیم می‌توان معامله‌های قرارداد آتی را تصحیح کرد؛ اما نکته اصلی این است که گرچه معامله‌های قرارداد آتی، در بازار اولیه به صورت دین مؤجل به عقد است، خرید و فروش آن در بازار ثانویه به صورت معامله دین به دین قبل از عقد می‌شود و با توجه به بطلان معامله دین به دین نزد اکثر قریب به اتفاق فقیهان، راهی برای صحت آن وجود ندارد؛ بنابراین، تلاش برخی از حقوقدانان برای

تصحیح معامله کالی به کالی و تفاوت آن با معامله دین به دین جهت تصحیح معامله‌های قرارداد آتی، مشکل بازارهای بورس را حل نمی‌کند؛ گرچه معامله‌های اولیه بین دولت‌ها جهت خرید کالای غذایی را به شرط عدم فروش آن در بازار ثانوی حل می‌کند. برای تجارت جهانی محصولات غذایی، ایمنی مواد غذایی و کیفیت شاید مهمترین موضوع باشد، گرچه ناراحتی کشورهای در حال توسعه درباره تداوم استفاده کشورهای توسعه یافته از افزایش تعرفه‌ها نیز از موارد مهم باقی مانده است. در زمینه ایمنی مواد غذایی، توافقنامه بهداشتی و بهداشت گیاهی با موفقیت کمتری در حل اختلافات (مانند موضوع هورمونهای گوشت گاوی بین اتحادیه اروپا و آمریکا) مواجه بوده است و این به دلیل تنش اساسی موجود بین سلیقه‌های مصرف کنندگان و حمایت از مصرف کنندگان از یک سو و منافع مصرف کننده از تجارت از سوی دیگر می‌باشد. افزون بر آن، دیگر انگیزه اولیه این توافقنامه برای نیاز به محدود ساختن محافظتی بود که تولیدکنندگان از واردات بهره مند می‌شوند و نه وسیله محافظت از مصرف کنندگان از واردات. از پیشنهادات مورد مذاکره که به سازمان تجارت جهانی به عنوان بخشی از مذاکرات کشاورزی ارائه شده روشن است که ایمنی مواد غذایی و همچنین دیگر جنبه‌های غذایی (مانند نشانه‌های جغرافیایی، نشانه‌های مربوط به قابلیت زمان نگهداری کالا و غذاهای تغییر ژنتیکی یافته) توسط بسیاری از کشورها به عنوان یک کالای غیر تجاری تلقی می‌شود.

با توجه به سرعت شدید تغییر فناوری در صنعت فراوری غذا، نیز با توجه به بهبود ترابری و با زنجیره‌های فزاینده عرضه بین المللی این احساس در حال گسترش است که غذاهای وارداتی ممکن است یک منشأ افزایش خطرات بهداشتی برای مصرف کنندگان مواد غذایی باشند. ایجاد موانع وارداتی توسط دولت‌ها به منظور تنظیم این خطر و تأمین بهداشت جمعیت انسانی نیز در توافقنامه SPS منظور شده است. تمایز بین اهداف مذاکرات تجاری در زمینه‌های سنتی و اهداف موضوعات SPS مهم است. در مذاکرات تجاری هدف رسیدن به حرکتی در جهت بازار آزاد بین المللی از راه کاهش موانع تجاری است تا درآمد ملی را افزایش دهند. در موضوعات SPS هدف تعریف استانداردها یا آیین نامه‌ها است که تحریف تجاری آنها در حد کمینه باشد، اما اهداف اجتماعی کشورهای متفاوت را در ارتباط با وسعت قرار گرفتن شهروندان آنها در معرض غذاهای ناسالم یا با کیفیت نامطلوب برآورده می‌کند. در زمینه‌های سنتی فرض بر این است که منافع رفاه اجتماعی از آزادسازی تجارت به طور کلی و به عنوان یک اصل شامل تمامی محصولات و کشورها می‌شود. در زمینه SPS به دلیل عدم موفقیت بازار، باید منافع رفاه اجتماعی در هر مورد به طور جداگانه و بدون پیش فرض کاربرد کلی ارزیابی شود (مک مائولاین، ۱۳۹۶: ۳۷۷)

هنگامی که مؤسسات بازرگانی یا کشورهای واردکننده اطلاعات ناقص درباره ایمنی مواد غذایی صادراتی از مؤسسات تجاری یا کشورهای صادرکننده دارند، نوعی ناهمگونی اطلاعات و عدم موفقیت بازار وجود دارد. در نبود هر نوع مداخله حکومت در هر یک از کشورهای صادرکننده یا واردکننده، واردکنندگان ممکن است از کشور صادرکننده به عنوان یک معیار کمینه میزان ایمنی غذا که انتظار می‌رود استفاده کنند. بنابراین هیچ مؤسسه بازرگانی صادرکننده ای در یک کشور انگیزه ای برای ارائه کیفیت بالاتر محصول از آنچه سطح کمینه آن کشور است ندارند، به ویژه همانطور که فرض می‌شود تولید محصولات با کیفیت بالا هزینه ای بیشتر از تولید محصولات با کیفیت پایین باشد. برای مؤسسات تجاری که تصمیم به ارائه محصول با کیفیت می‌گیرند تلاش آنها توسط مؤسسات تجاری که محصول با کیفیت پایین ارائه می‌دهند تضعیف می‌شود. بنابراین آمیزه کیفیت تولید شده با آمیزه ترجیح داده شده توسط مصرف کنندگان همخوانی ندارد و تولید غذای با کیفیت بالا پاسخگوی میزان درخواست برای صادرات نیست و نتیجه آن از نظر اجتماعی وضعیتی پایین تر از حد بهینه خواهد بود. در چنین شرایطی ممکن است به دولت کشور صادر کننده توصیه شود که مقرراتی برای حد کمینه کیفیت برای غذاهایی که صادر می‌کند وضع

نماید. نشان داده شده که چنین مقرراتی برای کشور صادر کننده از نظر اجتماعی وضعی بهینه خواهد بود و افزون بر آن موجب افزایش حجم و بهای صادرات خواهد شد زیرا در مقایسه با اطلاعات ناقص مانع کاهش اشتیاق مصرف کنندگان به پرداخت خواهد شد بنابراین مقررات اطلاعاتی را در اختیار واردکنندگان قرار می‌دهد که بازار به تنهایی نمی‌تواند ارائه دهد و در حل مشکل شکست بازار را که موجب آن ناهمخوانی اطلاعات و ویژگی‌های اعتماد به ایمنی مواد غذایی است، یاری می‌دهد (همان: ۴۱۹)

هر نوع مقررات اعمال شده از سوی دولت برای مواد غذایی وارداتی باید با توافقنامه سازمان تجارت جهانی در مورد تمهیدات کاربری بهداشتی و بهداشت گیاهی توافق داشته باشد. در این توافقنامه چنین تعریف شده است که هر نوع تمهید بکار گرفته شده باید: الف - هر عضو باید در قلمرو خود از بهداشت انسان در برابر خطرات ناشی از ورود، استقرار یا گسترش آفات، امراض و موجودات ناقل بیماری حفاظت کند. ب - هر عضو باید در قلمرو خود از بهداشت انسان در برابر خطرات ناشی از افزودنیها، آلودگی‌ها، سموم ناقل بیماری در غذا و نوشابه‌ها حفاظت نماید. ج - هر عضو باید در قلمرو خود از بهداشت انسان در برابر خطرات ناشی از بیماریهایی که توسط حیوانات انتقال می‌یابد، گیاهان یا محصولات گیاهی، یا از ورود و استقرار یا گسترش آفات حفاظت نماید. د - هر عضو باید در قلمرو خود مانع ورود، استقرار یا گسترش آفات شده و یا آنرا محدود کند. بنابراین بر اساس این توافقنامه، اعضا از این حق برخوردارند که این تمهیدات را بکار گیرند اما تنها تا حدی که با شواهد و مدارک علمی، لازم دانسته شده اند. اعضا به این تشویق می‌شوند که در تمهیدات خود بر پایه استانداردهای بین‌المللی عمل کنند.

مبحث سوم: تعریف کالای کشاورزی و غذایی بر اساس کنوانسیون کالا:

گفتار اول: تعریف کالای کشاورزی بر اساس کنوانسیون کالا:

بر اساس تعریفی که از کالا در کنوانسیون‌های بیع بین‌المللی کالا به عمل آمده است، کالا در مفهوم کلی و مطلق تعریف شده است و همه موارد حقوقی به صورت کلی برای تمامی کالاها در نظر گرفته شده است. تا آن جایی که پژوهشگر جستجو نموده تعریفی از کالای کشاورزی که منطبق بر اصول حقوقی باشد، یافت نشد.^{۴۰}

بنابراین بر اساس تعریف کالا در کنوانسیون بیع کالا این تعریف را میتوان از کالای کشاورزی داشت:

به اعتقاد پژوهشگر تعریف حقوقی از کالای کشاورزی عبارتند از کالاهایی مادی ملموس و به عبارتی آنچه که به صورت منقول است و قابلیت معامله و انتقال به طرف دیگر معامله را داراست. به این تعریف می‌باید خدمات را نیز بایستی افزود. در تکمیل این تعریف بایستی اشاره کنیم که کالای کشاورزی عبارتند از کالای مادی ملموس و منقول که شرایط معامله برای مدت معین را دارا باشد و عاری از عیب و نقض و دارای ضمانت باشد.

توسعه روز افزون تجارت بین‌الملل و نیاز کشورها به پاسخگویی به شرایط نوین ناشی از گسترش روابط حکومت‌ها متضمن یک عنصر بین‌المللی باشد، به حرکت در آورده است. قراردادهای بین‌المللی ضمن دارا بودن تمام ویژگیهای آشنای موجود در عقود و معاملات داخلی، از این خصوصیت برخوردارند که طرفین آن‌ها در کشورهای مختلفی مستقر می‌باشند.

کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی، نقش و تأثیری مستقیم در شتاب بخشیدن به روند تجارت جهانی محصولات کشاورزی دارند. منافعی که آن‌ها از بابت آزادتر بودن تجارت جهانی محصولات کشاورزی کسب میکنند، تا حدودی به این امر بستگی دارد که آیا آن‌ها واردکننده محض هستند یا

^{۴۰} - ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری؛ ۱۳۹۴، تهران: سمت، چاپ نوزدهم، ص ۱۴-۲۰.

صادرکننده محض. به طور کلی تمامی کشورها از آزادتر شدن تجارت جهانی سود خواهند برد. ویژگی کلی صادرات کشورهای در حال توسعه، وجود سهم روزافزونی از صادرات محصولات و سهم نزولی از کانیها و مواد غذایی در کل صادرات است. با این حال، صادرات مواد غذایی جهان بخش مهمی از تجارت در بسیاری از کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی است. بین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵، رشد صادرات مواد غذایی در کشورهای کم درآمد تا سطح ۱۲۰ درصد و در کشورهای با درآمد متوسط به بیش از ۵۰ درصد رسید. در این میان، رشد صادرات مواد غذایی فرآوریننده از موانع تجاری بسیار متفاوتی برخوردارند، از همه سریع تر بوده است.^{۴۱}

تجارت محصولات کشاورزی همانند سایر محصولات در عرصه جهانی و داخلی تابع مقررات است و در عرصه بین المللی تابع مقررات و موافقت نامه های بین المللی است. همان گونه که در مباحث قبل اشاره شد محصولات کشاورزی به عنوان کالایی که مادی، ملموس و منقول است، از حیث حقوقی تمامی موارد حقوقی تجارت کالا را مشمول میشود. در این بحث ابتدا موافقت نامه های کشاورزی را که از ابتدا شکل گرفته اند را مورد بررسی قرار داده ایم.

از جمله مذاکراتی که مبتنی بر مذاکرات تجارت جهانی (WTO) انجام شده است، مذاکرات دور اروگوئه (UR) است. این مذاکره چارچوب محصولات کشاورزی را تغییر داده است. مهم ترین قواعدی که در این مذاکرات در نظر گرفته شده عبارتند از: دسترسی به بزار، یارانه های صادراتی، حمایت داخلی و استانداردها میباشد. چارچوب این مذاکره با توجه به قوانینی مانند تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی به مراتب خاص تر از موافقت نامه های ۱۹۴۷ گات بوده است.

دستآورد مهم موافقت نامه کشاورزی جانشین کردن تعرفه های تثبیت شده به جای سهمیه واردات است. حاصل این فعل و انفعال دادن مجوز به کشورها برای تغییر قیمت داخلی و کنترل آن با اهرم مالیات است. تعرفه های دو مورد استثناء دارند که بر تجارت محصولات کشاورزی تأثیر گذار است. این دو عبارتند از تعرفه های تثبیت شده بالا و سهمیه های تعرفه ای. هیچ محاسبه مشابهی برای تعرفه های تثبیت شده در بخش کشاورزی وجود ندارد؛ زیرا پیچیدگی در این بخش، بسیار پیچیده تر از سایر بخش هاست که علت آن، وجود سطوح حداقل و حداکثر و ترکیبی از تعرفه های خاص و تعرفه های ارزشی است. وجود این دو تعرفه موجب افزایش سهمیه و رقابت بین کشورها شده است به طوری که در حال حاضر بیش از ۱۳۷۱ سهمیه وجود دارد که به سازمان جهانی تجارت اعلام شده است. این سهمیه ها و مسائل پیرامونی آن به کشورهای واردکننده اجازه میدهد که از رانت های خوشایند وارداتی استفاده کنند که حاصل نظام سهمیه است و این حراج رانت حاصل از سهمیه به اعتقاد سازمان جهانی تجارت سیاست موجهی است و ارائه کننده رهنمودهایی در مورد نحوه برگزاری چنین حراج هایی.

مذاکرات دور اروگوئه، مبنای حقوقی برای اعطای یارانه های صادراتی به کالای کشاورزی فراهم کرد؛ این درحالی است که اعطای این یارانه ها برای صادرات محصولات تولیدی آشکارا ممنوع است. این امکان با دو شرط همراه است: نخست این که یارانه ها را نمیتوان، برای صادراتی اعطا کرد که پیش از پایان دور اروگوئه از هیچ یارانه ای برخوردار نبوده اند؛ دوم این که کشورها باید محدوده های کمی مربوط به هر کشور و هر گروه کالایی را به طور دقیق به دبیرخانه سازمان تجارت جانی اعلام کنند. بنابراین، محدودیت روشنی در زمینه اعطای یارانه های صادراتی وجود دارد؛ به این صورت، فرایند اعطای یارانه ها شفافیت بیشتری پیدا میکند و جایگزین نظامی میشود که در آن، کشورهای صادرکننده میتوانند یارانه های نامحدود، به منظور فروش کل مازاد کالاهای کشاورزی در بازار جهانی، ارائه کنند. گرچه اجرای این رویه از نظر سیاسی

^{۴۱} - حمزه ایرانمنش پاییزی؛ بررسی تطبیقی تسلیم کالا د حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین، ۱۳۹۲، دانشنامه حقوق سیاست، شماره ۱۹، ص ۴۳.

دشوار است، ولی هم اکنون قابل درک است که کشورهای صادر کننده با توج، ه به حجم صادراتی خود به عرصه مذاکرات وارد خواهند شد.^{۴۲}

موافقت نامه های کشاورزی چهار طبقه تعریف شده روشن و صریح (به رنگ های سبز، کهربایی، قرمز و آبی) را در زمینه حمایت داخلی به وجود آورده است که فاقد یک عامل موازی مستقیم در صنعت هستند. چنین فرض میشود که تک تک کشورها وجود این یارانه ها را به اطلاع سازمان جهانی تجارت رسانده اند و باید میزان حمایت صورت گرفته از صادرکننده را اندازه گیری و پایبندی خود به کاهش این یارانه را در صورت امکان اعلام کنند. این طبقه بندی چندان روشن نیست و یک شرط صلح را به همراه دارد که در مورد یارانه های کهربایی خواستار اعمال محدودیت های لازم و شایسته در زمینه آغاز مذاکرات عوارض گمرکی جبرانی میشود که حمایت (از یک کالای خاص) از میزان تصمیم گیری شده در سال ۱۹۹۲ فراتر نمیروند، آن ها را از چالش های گات معاف میکند. استاندارد کالایی یا قواعد حاکم بر ویژگیهای محصولات، نقش بسیار مهمی در عملکرد مؤثر کالا در بازار دارد و پشتوانه مهمی برای نظام تجارت است. برای نمونه، آزمایشاتی که دولت ها برای تعیین میزان باکتریها در گوشت گاو وارداتی انجام میدهند و در صورت سالم بودن اقدام به صدور گواهی میکنند، حافظ بهداشت عمومی است؛ چنین اقدام هایی میزان پذیرش محصولات کشاورزی وارداتی در میان مصرف کنندگان را بالا میبرد. صدور گواهیهای استاندارد به تولید کنندگان امکان میدهد که دسترسی به بازار و مقبولیت بیشتری داشته باشند.

استانداردها را همچنین میتوان به عنوان موانع تجاری غیرتعرفه ای به کار برد، خواه با نیت تبعیض آمیز باشد یا نباشد. الزامات قانونی ممکن است هزینه های شرکت های خارجی را در مقایسه با شرکت های داخلی بالا ببرند. حتی اگر هر دو مشمول الزامات یکسان باشند، نوعاً تمام تولیدکنندگان باید آزمایش های مربوطه و ارزیابیهای انطباق را انجام دهند تا بتوانند واجد استانداردهای بهداشت و ایمنی شوند؛ البته، اگر صادرکنندگان ناچار باشند کالاهای خود را به استانداردهایی برسانند که با استانداردهای رایج در داخل کشورشان متفاوت باشد و نیز استانداردها در یک مقصد صادراتی با استاندارد در مقصد صادراتی دیگر تفاوت داشته باشد، هزینه های آن ها بیشتر از هزینه های تولیدکنندگان داخلی خواهد بود. نمونه تاریخی در این زمینه، این الزام است که فرآوردهای لبنی وارداتی به اتحادیه اروپا باید از شیر گاوهای نگهداری شده در مزارعی تولید شوند که با دستگاه دوشیده میشود. این قاعده به گونه ای مؤثر، مانع واردات چنین فرآوردهایی از بسیاری از کشورهای در حال توسعه میشود، به ویژه کشورهایی که دارای مزارع کوچک بسیاری هستند که ماشینی شدن فعالیت (مکانیزاسیون) در آن ها مقرون به صرفه نیست. تا محدوده ای که این قواعد هم در مورد تولیدکنندگان داخلی و هم در مورد واردات اعمال میشود، این قواعد تبعیض آمیز نیست و مطابق با سازمان جهانی تجارت است؛ با این حال، محدودیت در دسترسی به بازار وجود دارد. اگر کشور صادرکننده و کشور وارد کننده، خواستار انجام آزمایش های دوباره شوند، این کار نیز بسیار پرهزینه است. اکنون که تعرفه ها و سهمیه ها و نیز یارانه ها و حمایت های داخلی از کالای مورد معامله به طور مشخص و روشن در مذاکرات تجاری بین الملل مطرح شده، به تازگی توجه بیشتری به استانداردهای کالایی به عنوان موانع تجاری بالقوه معطوف شده است. این مساله به صراحت در دور اروگوئه مورد توجه قرار گرفت و در موافقت نامه تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی و موافقت نامه موانع فنی تجارت، گنجانده شد.

^{۴۲} - لوک دوولف؛ تجارت محصولات کشاورزی: مقولات و دستور کار سازمان تجارت جهانی، ترجمه رضا حریری، فصلنامه بررسی های بازرگانی، شماره ۴، ۱۳۸۲، ص ۴۶.

گفتار دوم: موافقت نامه تجارت ترجیحی اتحادیه ی اروپا

از دیگر موافقت نامه های تجاری محصولات کشاورزی میتوان به موافقت نامه تجارت ترجیحی اتحادیه ی اروپا اشاره کرد. نکته قابل توجه در این موافقت نامه نقش محصولات کشاورزی به خصوص میوه های خوراکی و خشکبار در کسری تجاری و ایجاد تنوع در کالاهای صادراتی است.

محصولات کشاورزی هرساله بخش عمده ای از صادرات کشور را به خود اختصاص میدهند. این محصولات شامل میوه جات، سبزیجات، غلات، دانه ها و غذای دام است که بدون فرآوری و یا با فرآوری ناچیز از زمین های کشاورزی و باغ ها بدست میآیند. فرآورده های این محصولات نیز هرساله بخشی از صادرات را به خود اختصاص میدهد که تحت عنوان صنایع غذایی قرار میگیرند.

از جمله محصولات کشاورزی که به عنوان کالا و با صفت و ویژگیهای کالای تعریف شده در کنوانسیون بیع مورد معامله قرار میگیرد و مشمول موارد حقوقی کالا میشود، میتوان به موارد زیر اشاره نمود: گندم، جو، ذرت، شکرخام، روغن آفتاب گردان، روغن سویا، توتون و تنباکو؛ فرآورده های خوراکی گوناگون؛ فرآورده ها از سبزیجات؛ فرآورده های غلات، آرد؛ کاکائو و فرآورده های آن؛ قند و شکر و فرآورده های آن؛ چربیها یا روغن های نباتی؛ مواد قابل بافت؛ سایر محصولات نباتی؛ انگم ها، صمغ ها، رزین ها؛ دانه و میوه های روغن دار؛ محصولات صنعت آردسازی؛ غلات؛ سبزیجات، نباتات، ریشه؛ تخم پرندگان، عسل؛ احشا خوراکی؛ قهوه، چای ماته و ادویه.

مبحث چهارم: بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین و محصولات کشاورزی و غذایی

تمامی موارد حقوقی کالا در بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین مشمول تمامی محصولات کشاورزی میشود این مقررات و قوانین عبارتند از:

- مقررات عام که مواد ۲۵ تا ۲۹ را شامل میشود (و مواردی مانند نقض اساسی، اعلام (اخطار)الغا (فسخ)، تاخیر یا اشتباه در اعلامات، الزام به اجرای قرارداد و قواعد مقرر دادگاه، الزام به اجرای عین تعهد و اصلاح قرارداد؛ لزوم مکتوب بودن را در بردارد.

گفتار اول: تعهدات فروشنده

تعهدات فروشنده که مواد ۳۰ تا ۵۲ را شامل میشود و مواردی مانند بیان اجمالی تعهدات فروشنده، محل تحویل (تسليم)، قراردادهای حمل، زمان تحویل، اسناد مرتبط با کالاها، تطابق کالاها، خسارت به کالاها، حق رفع نقض کالاها، حداکثر تا تاریخ تحویل، زمان بررسی کالاها، عدم تطابق کالا، ادعای شخص ثالث نسبت به کالاها؛ ادعای شخص ثالث بر مبنای اختراع یا دیگر مالکیت های فکری؛ اعلام ادعای شخص ثالث، عذر موجه در دادن اعلامیه؛ حق خریدار در مطالبه ی اجرای عین تعهد، اخطار خریدار دائر بر تعیین مهلت اضافی نهایی برای اجرا؛ رفع عیب بعد از تاریخ مقرر برای تحویل: درخواست ایضاح؛ حق خریدار در الغای فسخ قرارداد؛ تقلیل ثمن؛ عدم تطابق بخشی از کالاها؛ تحویل پیش از موعد: کالای بیش از میزان مقرر؛^{۴۳}

^{۴۳} - نصراللهی، زهرا، ناقب، حسن و سمیه افشاریان؛ آثار برقراری موافقتنامه ی تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه ی اروپا بر تجارت محصولات کشاورزی؛ ۱۳۹۱، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات، اقتصادی کاربردی در ایران سال اول، شماره ۴، صص ۱۲۵-۱۵۰.

گفتار دوم: تعهدات خریدار

- تعهدات خریدار که ماده ۵۳ تا ۶۵ را شامل میشود (و مواردی مانند تعهدات خریدار، وزن خالص، مکان پرداخت، زمان پرداخت: بازرسی کالاها، پرداخت قیمت بدون نیاز به درخواست فروشنده، تعهد خریدار به تسلیم (قبض)، طرق جبرانی موجود برای فروشنده، حق فروشنده در الزام (خریدار) به اجرای تعهد؛ خطایه فروشنده دائر بر تعیین یک مهلت اضافی نهایی برای اجرای، الغای قرارداد توسط فروشنده، اعلامیه خریدار برای تعیین یک مهلت اضافی نهایی برای اجرا؛

گفتار سوم: انتقال ضمان (ریسک)

- انتقال ضمان (ریسک) که مواد ۶۶ تا ۷۰ را شامل می شود (و مواردی مانند خسارت بعد از انتقال ضمان به خریدار، ضمان در قراردادی که متضمن حمل کالا است؛ فروش کالا در طول حمل، قواعد عمومی در مورد ضمان، ضمان در فرضی که فروشنده مرتکب نقض قرارداد شده)؛

- مقررات مشترک راجع به تعهدات فروشنده و خریدار که مواد ۷۱ تا ۸۸ را در برمیگیرد (و مواردی مانند نقض پیش دوستانه و قراردادهای اقساطی، تعلیق اجرا، فسخ قرارداد قبل از موعد اجرا، فسخ قراردادهای اقساطی، قاعده کلی در مورد برآورد خسارات، معامله جایگزین، خسارت بر مبنای بهای رایج، تکلیف زیان دیده به تقلیل خسارات، بهره وجوه معوقه، مسئولیت جبران خسارت (فورس ماژور)، استرداد منافع حاصله، تکلیف فروشنده در حفاظت از کالا، تکلیف خریدار به حفاظت از کالا، سپردن به انبار، فروش کالا و...) اشاره نمود.

نتیجه گیری:

قرارداد خرید و فروش مواد غذایی از جمله قراردادهایی است که زیر مجموعه عقد بیع قرار می گیرد. انعقاد عقد بیع در قانون شیوه مشخصی دارد که پیروی نکردن از آن، سبب باطل شدن یا فسخ قرارداد می شود. نمونه قرارداد خرید مواد غذایی نیز به تبعیت از عقد بیع باید با رعایت اصول قانونی منعقد شود. ثمن نمونه قرارداد فروش مواد غذایی به اشکال مختلف پرداخت می شود. اگر مواد خوراکی را به شکل نقدی معامله می کنید، حتما مبلغ و تاریخ پرداخت را در متن ذکر کنید و اگر روش پرداخت به صورت اقساطی است، تاریخ و مبلغ هر قسط و در صورت استفاده از چک، شماره آن را در متن قرارداد بنویسید. این قسمت از نمونه قرارداد فروش مواد غذایی به منزله تعهد خریدار در مقابل فروشنده است؛ بنابراین عمل نکردن به آن می تواند باعث شود که فروشنده اختیار فسخ قرارداد فروش مواد غذایی را داشته باشد. البته اگر فروشنده به میل خود و قبل از دریافت وجه معامله، مبیع را به خریدار تحویل دهد حق پس گرفتن آن را ندارد. حالت دیگر زمانی است که خریدار به هر دلیلی از پرداخت باقی مانده ثمن ناتوان می شود؛ در این صورت فروشنده می تواند مبیع را از خریدار پس بگیرد و اگر هنوز به وی تحویل نداده است از تسلیم آن خودداری کند. طرفین قبل از انعقاد قرارداد، در خصوص تعیین مرجع برای مراجعه به آن در زمان وقوع اختلافات احتمالی بعد از عقد قرارداد، با یکدیگر به توافق می رسند. آن مرجع در متن قرارداد ذکر می شود و اگر طرفین بعد از امضای نمونه قرارداد فروش مواد غذایی دچار اختلافاتی در خصوص قرارداد شوند، به آن مراجع رجوع می کنند. اگر طرفین در زمان انعقاد قرارداد، مرجعی جهت حل اختلافات احتمالی تعیین نکنند، در صورت وقوع اختلاف باید به دادگاه مراجعه کنند. تعداد نسخه های قرارداد فروش محصولات غذایی کاملاً بستگی به توافق طرفین دارد و تعداد خاصی از سوی قانونگذار تعیین نشده است.

در نظر نخست دیدیم که قوانین آنسیترال محل رسیدگی نیستند بلکه اعتبارات قانونی هستند که بر اساس آن میتوان به داوری بین المللی یا حتی داوری درون نظام حقوقیای که به قوانین نمونه این نهاد پیوسته باشد مراجعه نمود. مسئله مواد غذایی در افق کلی خود از قوانین بیع و قراردادهای تجاری پیروی میکند اما برخی از مسائل آن را هم در حقوق ایران و هم در حقوق بین المللی تا حدی متفاوت میکند. برای مثال اگر بیع کالی به کالی صورت بگیرد آنگاه کالا مشخص باشد، میتوان در مورد آن داوری صریحتری داشت اما در مورد محصول مزرعه کشاورزی که حجم بازدهی آن مشخص نیست این مسئله معضل ساز میگردد. با اینحال در قوانین آنسیترال تمامی مجموعه مواد غذایی و آشامیدنی جزء این کلیت محسوب میشوند؛ حال آن که برخی از مواد غذایی بنا بر حقوق ایران با توجه به فقه امامیه که یکی از زیربناترین منابع حقوقی ایران است نه تنها اکل و شرب آن، بلکه خرید و فروش آن نیز حرام است و اساساً چنین بیعی باطل و البته پیشاپیش دچار بطلان است. از مسیر مباحث فوق میتوان به این نتیجه رسید که باید ظرفیت های استثنایی چنین نظام های حقوقی ای نیز در آنسیترال گنجانیده شود. همچنین ورد دومی که اختلاف به وجود میآورد مبنای بطلان فقهی بیع دین به دین در فقه امامیه است که در حقوق آنسیترال پذیرفته شده میباشد.

در مجموع می توان گفت:

۱. اگر بعد از امضای نمونه قرارداد فروش مواد غذایی طرفین با یکدیگر به طور کامل به توافق برسند، می توانند عقد را به هم بزنند (اقاله). در این صورت، تعهداتی که در متن قرارداد نوشته شده است، الزامی برای فرد متعهد به وجود نمی آورد.
۲. اگر کسی که تعهد به نفع او نوشته شده است، از انجام آن تعهد صرف نظر کند، مانند این است که آن تعهد از ابتدا در قرارداد ذکر نشده است.
۳. طرفین می توانند به موجب اختیارات گوناگونی که در متن قانون، به آن ها داده شده است، قرارداد فروش محصولات غذایی را فسخ کنند؛ اما اگر در متن قرارداد نوشته شده باشد که کافه (همه) اختیارات سلب می شود، به این معنی است که تمامی اختیارات از دو طرف قرارداد سلب شده و آن ها نمی توانند از اختیارات قانونی خود استفاده کنند.
۴. اگر بعد از تنظیم قرارداد مشخص شود که مواد غذایی فاسد بوده است، مشتری می تواند معامله را فسخ کند یا آن مبیع را قبول کند و مبلغ خسارت را از فروشنده مطالبه کند.
۵. کالایی که مورد معامله واقع می شود با مشروع و قانونی باشد. برای مثال، معامله مشروبات الکلی صحیح نیست.
۶. اگر شما قرارداد را برای خرید کالایی خاص (مثلا نوشیدنی مارک خاص) انجام می دهید اما پس از تحویل کالا متوجه شوید که کالای دریافتی، آن نوشیدنی مورد نظر شما نبوده است، عقد بیع باطل است.
۷. حتما در متن قرارداد خود، وصف دقیقی از مواد غذایی مورد معامله بنویسید (شامل نام محصول، نام مارک خاص آن، وزن و در صورت لزوم، رنگ).

در عرصه بیع مواد غذایی به سود کشورهای صادرکننده است که جهت چیرگی بر عدم موفقیت بازار، مقرراتی برای تضمین کیفیت مواد غذایی صادراتی وضع کند که این مواد از حداقل سطح ایمنی مواد غذایی برخوردار باشند. بحث اصلی این است که آیا اجرای این مقررات به عهده بخش دولتی یا بخش خصوصی باشد. به دلیل خصوصیت اعتمادی ایمنی مواد غذایی، برای مؤسسات خصوصی به ویژه در نبود مقررات، امکان این که از روی اعتماد متعهد به تهیه صادرات مواد غذایی با کیفیت بالا شوند وجود ندارد. در زمینه بهداشت مصرف کننده و ایمنی مواد غذایی چیزی در اجرای معاهده SPS برای سلیقه های مصرف کنندگان وجود ندارد. ثبات مقررات واردات بر پایه ارزیابی خطر که تنها شامل برآورد احتمالات می شود استوار است و جایی

برای سلیقه‌های مصرف‌کننده راجع به خطر یا ملاحظات اقتصادی وجود ندارد. حذف این مورد احتمالاً نتیجه مذاکرات اولیه و براساس مصلحت‌گرایی و نیاز به کسب توافق بوده است. اما ذاتاً جنبه ای منفی و ناخوشایند در این معاهده است. رویکرد بهتری مشمول سلیقه‌های مصرف‌کنندگان و احتمالات غیر جمعی در چهارچوب تصمیم‌گیری جامع تر می‌باشد. در اینصورت پیوند بین استانداردهای ایمنی مواد غذایی، موانع تجاری و منافع حاصل از تجارت مواد غذایی بهتر مشخص خواهد شد.

پیشنهادات

در این راستا دو پیشنهاد مهم در طول نگارش این پژوهش به نظر رسید که ضرورت آنها احساس میشود: نخست اختصاص کارگروه تقنینی و کارشناسی در زمینه استخراج دقیق قوانین متفاوت مربوط به مواد غذایی در ایران و تطبیقی آن با قوانین آنسیترال و احیاناً استفاده از قوانین بین‌المللی و یا در صورت مشاهده چنین خلأیی در قوانین آنسیترال توصیه کردن به آن نهاد؛ ثانیاً مبادرت به طرح‌های تحقیقاتی مبتنی بر تحلیل تطبیقی حقوق تجارت مواد غذایی و آسامیدنی ایران و قوانین بین‌المللی که خود زمینه‌ساز انتقال تجارب ارزنده حقوقی میگردد.

منابع

۱. آرام، غلامحسین، ۱۳۷۸ فرهنگ گمرک و تجارت، مرکز فرهنگی نشر قبله، چاپ اول
۲. امامی، سید حسن، ۱۳۶۹. حقوق مدنی (شش جلد)، انتشارات اسلامیه
۳. انصاری، مرتضی، ۱۳۷۴. المکاسب، (دوره سه جلدی)، انتشارات دهقانی اسماعیلیان، چاپ دوم
۴. اسلامی پناه، علی، ۱۳۸۰. «معلوم و معین بودن معامله در حقوق ایران و فقه اسلامی و بررسی تطبیقی آن در حقوق فرانسه و کامن‌لا»، پایان نامه در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران
۵. اشمیتوف، کلایو، ۱۳۷۸. حقوق تجارت بین‌المللی (دو جلد)، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و همکاران، انتشارات سمت، چاپ اول
۶. اعتصامی، منصور، ۱۳۷۳، مالکیت تجاری در اسلام، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۷. امامی، سید حسن، ۱۳۷۳، حقوق مدنی، ج ۱. کتابفروشی اسلامیه.
۸. ایوامی، هاردی، ۱۳۷۵، حقوق دریائی، حقوق حمل و نقل دریایی کالا، ترجمه دکتر منصور پور نوری. مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ماجد.
۹. بروجردی عبده، محمد، ۱۳۹۲. حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی محمدعلی علمی، چاپ اول
۱۰. بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۸۱، کلیات عقود و قراردادهای، حقوق مدنی (۳). تهران: انتشارات نشر میزان.
۱۱. پورسعید، بهزاد، ۱۳۷۱، مقاله «قراردادهای فروش بین‌المللی کالا و تعهدات خریدار و فروشنده» ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۶۵، سال هشتم، مهر.
۱۲. بروجردی عبده، محمد، ۱۳۹۲. حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی محمدعلی علمی، چاپ اول
۱۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۶. ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم
۱۵. حائری شاهباغ، سیدعلی، ۱۳۷۶. شرح قانون مدنی (دو جلد)، انتشارات گنج دانش، چاپ اول
۱۶. خزاعی، حسین، ۱۳۸۶، حقوق تجارت بین‌المللی، ج ۵، نشر قانون.
۱۷. داراب پور، مهرباب، ۱۳۷۴، حقوق بیع بین‌المللی، جلد سوم، گنج دانش
۱۸. دادخواه، محمدرضا، ۱۳۸۲. حقوق بازرگانی بین‌المللی، انتشارات شهر آشوب، چاپ دوم

۱۹. رسائی نیا، ناصر، ۱۳۸۳، کلیات حقوق بازرگانی و تجارت، چاپ ششم. تهران.
۲۰. رسائی نیا، ناصر، ۱۳۷۶، حقوق خانواده، تهران: انتشارات بهینه،
۲۱. سماواتی، حشمت الله، ۱۳۸۰، حقوق معاملات بین المللی نظری و کاربردی. تهران: ققنوس.
۲۲. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۳ آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد
۲۳. شهیدی، مهدی؛ ۱۳۸۱، سقوط تعهدات، مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ پنجم
۲۴. صفایی، سید حسین، ۱۳۸۲. دوره ی مقدماتی، حقوق مدنی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ اول
۲۵. صفایی، سید حسین، ۱۳۵۱، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱ و ۲. تهران.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶. ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم،